

پنجشنبه ۱۳ جون ۲۰۱۹

مرجان کمال

اسلام و اقتدار سیاسی نویسنده: مرجان کمال به زبان فرانسوی

مترجم: فریده نوری

قسمت دهم

آتش هجران تو همچون سپندم می کند
پر ز ناله همچو نی بند بندم می کند
داغ سنگینی که بر دل دارم از هجران تو
تا قیامت بر غم تو پای بندم می کند



به ادامه گذشته:

با این هم تمام روحانیون متفق القول مخالف امیر نبودند، به مجرد گرفتن قدرت، امیر با به دست آوردن پیوند همراهی چهار صد ملا و با دادن یک فتوی، اغتشاش سردار محمد ایوب خان را باطل اعلان می کند. بر علاوه ملا خلیل محمد به تقاضای ملا عبدالکریم پسر ملا مشک عالم برای بسیج

نمودن مهمند ها، عثمان خیل ها و باجور مخالفت خود را اعلان نمود، که سبب بلند رفتن کمک مالی وی می گردد، به این ترتیب کمک مالی اش دو برابر می شود.

به صورت قطعی دلیل تعیین کننده اثر گذاری مؤقف ملا ها را در مقابل امیر در عکس العمل مردم به سیاست زور و فشار امیر دریافت می کنیم. در حقیقت امیر در داخل یک چوکات سیاست مرکزی و اقتدار دولتی خود، استفاده از رسم و رواج ها را، به منفعت محاکم و قضات که توسط خودش مقرر شده بودند، ممنوع نمود.

هدف این سیاست قبل از همه، رهبردی علیه بازیگران قبایل بود که هنوز هم دارای قدرت نسبی بودند. تحمیل نمودن شرعیت به زیان رواج ها یک طریقه است که توسط آن استقلال قبایل را که کنترل جامعه و ارتباطات محلی را با دایر نمودن جرگه ها تنظیم می نمودند، صدمه زد. و بر علاوه امیر گرفتن مالیه (Taxes) در سرک های تجارتهای را ممنوع قرار داد، که به این طریقه سبب محروم شدن قبایل از داشتن یک منبع عایداتی حیاتی و اساسی گردید. بالاخره امیر با وضع نمودن یک شکل نو مالیه بالای زمین های که در نزد قبایل بود اقدام کرد. اغتشاش غلزیایی ها در سال های 1886 - 1888 میلادی در حقیقت دلالت به یک اغتشاش صاحبان زمین بر علیه وضع نمودن مالیه نو بالای زمین، بالای اموال، بالای ولادت ها، بالای ازدواج ها و بالای حق میراث می نماید. (اولسن استه OLESEN Asta).

مخالفین امیر به صورت اساسی پیر ها (Pir-s) هستند که از یک طرف دارای یک درآمد خیلی ها مهم و از طرف دیگر از حمایت قبایل که زیادتر از سیاست امیر متضرر شده اند، برخوردار می باشند.

بر عکس امیر از حمایت فقها (Fuqahâ) که از داشتن دیپلوم علوم الهیات (Théologien) که از برکت امیر به دست آورده اند مستفید گردیده اند، به این معنی که فقها قابلیت به وجود آوردن مراجعه کنندگان و هواداران را در مقابل قدرت شگفت انگیز مذهبی که به پیر ها (Pir-s) نسبت داده می شود، دارا بودند.

از همین زمان یک خط جدایی بین بازیگران ساحه مذهبی یعنی طریقت و شرعیت، که اولی مربوط به روحانیون و دومی همانا خلق نمودن مقام ها در سکتور های قضایی توسط امیر می باشد، پدیدار گردید. علاوه در این عناصر اولیه تفریقی به ارتباط سیاست مذهبیون تفاوت ها موجود است، مثلاً بعضاً در بین مذهبیون مانند ملا صاحب هده که هر نوع معامله در ساحه

سیاست را رد نمود، در حالیکه بعضی ها مانند ملا مشک عالم در صدد بلند بردن تفوق و زیاد ساختن معتقدین خود در چوکات اقدامات بسیج نمودن با الحاق نمودن تأسیسات بود. بدین معنی که ملا صاحب هده آرزوی سیاست نداشته و یگانه توجه اش بالای دفاع در راه دین و ایمان بوده است. برعکس ملا مشک عالم و پسرانش در مخالفت با امیر در صدد به دست آوردن اعتبار سیاسی بودند. ملا مشک عالم در وقتی که امیر به قدرت رسید 90 ساله بود، وی به نفع محمد موسی خان پسر محمد یعقوب خان مخالفت با امیر را شروع کرد. یکی از پسرانش ملا عبدالکریم، خان علوم (Khân - e 'ulum) (chef de la justice) در سال 1880 نامیده شد، احتمالاً در مقابل یک موافقه همراهی غلزیایی ها جهت گرفتن اجازه خروج انگلیس از راه قندهار بوده است. در هنگام اغتشاشات شینواری ها (1892 - 1882) میلادی که در اثر رد نمودن امیر برای گرفتن حق العبور از سرک کوتل خیبر توسط شینواری ها، که در مقابل گرفتن امنیت اخذ می کردند، رابطه ملا و امیر خراب می گردد، ملا و پسرش از اغتشاشیون حمایت می کنند. ملا در 17 فبروری سال 1890 در محیط اغتشاش به حق می پیوندد، امیر به آرامگاه ملا بی حرمتی نموده و استخوان هایش را می سوزاند. پسر خورد ملا به نام عبدالرحمن که به بلوچستان پناه برده بود از طرف امیر دعوت می شود که به افغانستان بیاید و برایش وعده کمک مالی را می نماید که وی پیشنهاد امیر را قبول می نماید.

سیاست مستبدانه امیر عبدالرحمن خان برای محدود ساختن نفوذ ملا ها در ساحه اجتماعی و مذهبی سبب محدود شدن نفوذ شان نمی گردد. ملا مشک عالم که منشأ تشکیل و تأسیس یک نسل ملا های فعال، مخصوصاً قندهاری ها و کوهستانی ها بود، در مخالفت مستقیم علیه امیر داخل شدند مخصوصاً ملا امیر محمد، ملا عبدالرحیم و ملا عبدالاحمد. پسرش عمل بسیج نمودن پدر را دوام داده و با دیگر شبکه های طریقت قادریه در هده پیوند بست. انتقال اقدامات فعالیت های دسته جمعی به یک نسل نو ملا ها ضامن حفاظت، نگهداری و دوام اعتراضات در زمان و انتشار آن در مکان خواهد بود. خیلی مهم است تا اشاره شود که تأثیر گرفتن تفوق و برتری توسط شخصیت های مذهبی در بین اهالی قبایل به صورت طولانی و پایدار، سبب کاهش و تضعیف اقتدار خان ها که در حقیقت چهره های پلان اول در ولایات می باشند و به صورت قطعی نشان دهنده ضعف محلی در ولایات می گردد.

شخصیت های مذهبی با بستن عقد ازدواج ها و تشکیل دادن خویشاوندی با رهبران قبایلی خود را تحت حمایت شان می گنجانند. باید خاطر نشان نمود که رسوم و رواج ها (l'ethos) رهبران قبایل به صورت مشخص از رسوم مذهبیون متمایز می باشند.

قراری که اولسن استه (OLESEN Asta) خاطر نشان می کند: «فرق در تفسیر قرآن عظیم الشان بین رهبران قبایل و مذهبیون موجود است».

افزایش پیچیدگی بین دنیای قبایل و جهان ملا ها از سبب تغییرات سیاسی در نیمه قرن نوزدهم میلادی سرعت اختیار نمود، که نتیجه آن به وجود آمدن یک خط همیشگی جنجال بین پشتونوالی و شریعت می باشد.

گفتار افشاگری یا فسخ توسط اهالی قبایل در بازی های ابزاری یا سیاسی کردن قبایل توسط ملا ها (گاوند بازی) که اندرسن (J.W.Anderson) در بین غلزیایی ها در منطقه خوست و پکتیا در سال های 1970 میلادی جمع آوری نموده است، در بالای همان خط خلق شده که در قرن نوزدهم میلادی که قبلاً ذکر شد خود را گنجانیده که نتیجه آن با گرفتن تفوق ملاها و به زیان و ضرر رهبران قبایل انجامید.

قسمتی که در قسمت دوم در باره نتایج سیاسی و اجتماعی جنگ از اخیر قرن بیستم میلادی خواهیم دید، که این شگاف یا شکستگی بواسطه پدیده های تشکیل دوباره به سطح محل از سال های 1980 میلادی وخامت پیدا می کند.

منطقه ترکستان در شمال نیز به عین شکل زیر فشار بوده لکن کمتر شدید بوده است. لکن نخبگان اداری بیرونی کم و ادارات زیاده تر توسط نخبگان محلی اداره می شد، تا سال های 1920 نخبگان اداری را اقوام و خویشاوندان مراد بیگ تشکیل نموده بود، و همچنین شخصیت های مذهبی مدیریت و سرپرستی ادارات محلی و امور دفاعی را به دست داشتند. مشمولین به قرار سهمیه، توسط قوت های کمی که در ترکیب آن از یک ها، هزاره ها و ترکمن ها تشکل یافته بودند. و از طرف دیگر محمد اسحق خان که شدیداً تحت تأثیر طریقت نقشبندیه بود و با نخبگان محلی که از رهبران مذهبی محلی تشکیل شده بودند روابط خیلی مسالمت آمیز داشت، زمانی که امیر عبدالرحمن خان تصمیم گرفت بالای شان مالیه وضع کند وساطت شان را نمود. «و مهم تر از همه زمین های شان را ضبط نماید» (Noelle Karimi Christian)، وی بر علیه امیر به حمایت مامورین اداری و نظامیان و نخبگان محلی اغتشاش نمودند، لکن اسحق خان مغلوب شد و از کار برطرف گردید 1888 میلادی. جانشین وی موفق به برقراری اقتدار دوباره امیر گردید، و

اقتدار نخبگان محلی در سطح محل محدود گردید. و همچنان اقدام برای مستحکم نمودن قدرت مرکزی توسط امیر عبدالرحمن خان روی کار گرفت شد، که با خشونت ها همراه و پیامد های خراب بالای روابط دولت - جامعه داشته، و به صورت دائمی بالای نظم دادن و یا بی نظم ساختن اقتدار سیاسی در سطح محل اثر می نماید.

ادامه دارد